

قدرت نرم و بازیگران غیردولتی

پیامدهای همکاری و درگیری بازیگران غیردولتی با دولت‌های ملی

محمد زندی زیارانی، امیر هوشنگ میرکوشش، احسان رازانی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۶

چکیده:

هدف این مطالعه بررسی چگونگی استفاده بازیگران غیردولتی از قدرت نرم و نفوذ در عرصه بین‌المللی و درک انگیزه‌ها و استراتژی‌های آنها برای همکاری با دولت‌های ملی است. علاوه بر این، به دنبال تجزیه و تحلیل تأثیر این همکاری بر حاکمیت و دیپلماسی جهانی است. این مطالعه یک طرح تحقیق کیفی را اتخاذ می‌کند و از یک چارچوب مفهومی استفاده می‌کند که دیدگاه‌های نظری مختلفی مانند دیپلماسی فرهنگی، شبکه‌های حمایت فراملی، نفوذ اقتصادی، ارتباطات دیجیتال و سازمان‌های غیردولتی را در بر می‌گیرد. جمع‌آوری داده‌ها برای این تحقیق شامل بررسی جامع ادبیات مرتبط و مطالعات موردی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بازیگران غیردولتی از روش‌های متنوعی برای اعمال قدرت نرم و نفوذ خود استفاده می‌کنند. انگیزه‌های آنها برای همکاری با دولت‌های ملی شامل اهداف و منافع مشترک، تخصص و منابع، قدرت نرم و حمایت و بسیج عمومی است. تضاد بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی به دلیل منافع و اهداف متفاوت، چالش حاکمیت دولت‌ها، عدم تقارن قدرت، رقابت برای نفوذ، اختلاف بر سر منابع و دسترسی، و تفاوت در قدرت و نفوذ به وجود می‌آید. دولت‌ها به ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی از طریق همکاری، تبادل فرهنگی و برخی سیاست‌ها و استراتژی‌های دیگر پاسخ می‌دهند. همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی به تقویت حکمرانی جهانی و ورود پیچیدگی‌های جدید به نظام بین‌المللی کمک می‌کند. این یافته‌ها درک ما را از پویایی بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی در عرصه بین‌المللی عمیق‌تر می‌کند و پیامدهای آن را برای حکمرانی و دیپلماسی جهانی روشن می‌کند.

واژگان اصلی: قدرت نرم، بازیگران غیردولتی، عرصه بین‌المللی، همکاری، درگیری، حکومت جهانی.

۱. گروه روابط بین‌الملل، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

۲. گروه روابط بین‌الملل، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول) amkooshesh@gmail.com

۳. گروه روابط بین‌الملل، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

مقدمه

قدرت نرم به چند دلیل در روابط بین‌الملل از اهمیت بالایی برخوردار است: نفوذ و جذب، همکاری، دیپلماسی و مذاکره، تصویرسازی و دیپلماسی عمومی، تبادل و تفاهم فرهنگی، موازنه نرم، جذب سرمایه‌گذاری و گردشگری، و رسیدگی به چالش‌های جهانی. به طور کلی، قدرت نرم جزء لاینفک دولت و دیپلماسی مدرن در دنیایی است که به طور فزاینده‌ای به هم پیوسته و وابسته می‌باشد. بازیگران غیردولتی از مواردی هستند که در استفاده از قدرت نرم برای تأثیرگذاری بر امور بین‌المللی قابلیت خود را نشان داده‌اند. برای مثال، رسانه‌های تأثیرگذار و صنایع سرگرمی می‌توانند روایت‌های جهانی و افکار عمومی را شکل دهند و به گسترش ارزش‌ها و ایده‌های فرهنگی فراتر از مرزهای ملی کمک کنند. علاوه بر این، سازمان مذهبی فراملی، اغلب باورها و هویت‌های مشترک را ترویج می‌کنند که می‌توانند از مرزهای ملی عبور کنند و بر پویایی‌های اجتماعی و سیاسی در کشورهای مختلف تأثیر بگذارند.

درک پویایی نفوذ بازیگران غیردولتی در صحنه جهانی برای محققان، سیاست‌گذاران و شهروندان از اهمیت بالایی برخوردار است. هدف این مطالعه بررسی نقش‌ها، انگیزه‌ها و استراتژی‌های مختلف بازیگران غیردولتی و تعامل آنها با دولت‌های ملی است. با روشن کردن این پویایی‌های پیچیده، می‌توانیم بینش‌هایی درباره ماهیت در حال تحول روابط بین‌الملل و چالش‌ها و فرصت‌های ارائه‌شده توسط بازیگران غیردولتی در شکل‌دهی آینده دنیای به هم پیوسته، به دست آوریم.

سؤالات پژوهشی که این مطالعه را هدایت می‌کند به شرح زیر است: بازیگران غیردولتی چگونه قدرت نرم و نفوذ خود را در عرصه بین‌المللی اعمال می‌کنند؟ انگیزه‌ها و استراتژی‌های کلیدی مورد استفاده بازیگران غیردولتی برای همکاری با دولت‌های ملی چیست؟ منابع اصلی درگیری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی چیست؟ دولت‌های ملی چگونه به ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی واکنش نشان می‌دهند و با آنها درگیر می‌شوند؟ همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی تا چه اندازه بر حکمرانی و دیپلماسی جهانی تأثیر می‌گذارد؟

فرضیه‌های این مطالعه پیشنهاد می‌کنند که بازیگران غیردولتی با قابلیت‌های قدرت نرم قابل توجهی تمایل دارند از فرصت‌های همکاری فزاینده با دولت‌های ملت بهره ببرند. تضاد بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی به دلیل منافع متفاوت و دیدگاه‌های رقابتی از قدرت و نفوذ به وجود می‌آید. زمانی که ابتکارات قدرت نرم آنها با منافع ملی و افکار عمومی همسو باشد، دولت‌های

ملی ممکن است پذیرای همکاری با بازیگران غیردولتی باشند. ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی درجه متفاوتی از نفوذ را بر سیاست‌های داخلی و خارجی دولت‌های ملی اعمال می‌کند. به علاوه، همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی بسته به سطح هماهنگی و همسویی اهداف، می‌تواند اثربخشی تلاش‌های حکمرانی و دیپلماسی جهانی را افزایش داده یا تضعیف کند.

هدف این پژوهش چهار مورد است: تحلیل روش‌های اعمال قدرت نرم و نفوذ بازیگران غیردولتی در عرصه بین‌المللی؛ شناسایی انگیزه‌ها و استراتژی‌های کلیدی که توسط بازیگران غیردولتی در همکاری با دولت‌های ملی به کار گرفته شده است؛ بررسی منابع اصلی درگیری‌هایی که بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی به وجود می‌آید. و بررسی واکنش و مشارکت دولت‌های ملی در قبال ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی و ارزیابی تأثیر همکاری بین این بازیگران بر حکمرانی و دیپلماسی جهانی.

این تحقیق از آنجایی که به درک نقش و تأثیر بازیگران غیردولتی در روابط بین‌الملل کمک می‌کند، حائز اهمیت است. این مطالعه با تحلیل انگیزه‌ها، استراتژی‌ها و تضادهای بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی، بینش‌های ارزشمندی را در مورد پویایی قدرت و نفوذ در عرصه بین‌المللی ارائه می‌کند. یافته‌های این تحقیق به‌ویژه برای سیاست‌گذاران، دیپلمات‌ها و محققان مفید است، زیرا درک جامعی از فرصت‌ها و چالش‌های موجود در روابط دیپلماتیک و حکمرانی جهانی ارائه می‌دهد.

چارچوب مفهومی این مطالعه بر اساس بررسی چگونگی اعمال قدرت نرم و نفوذ بازیگران غیردولتی در عرصه بین‌المللی و انگیزه‌ها و استراتژی‌هایی است که برای همکاری با دولت‌ها به کار می‌گیرند. علاوه بر این، این چارچوب به بررسی منابع اصلی درگیری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی، واکنش دولت‌های ملی به ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی، و میزان تأثیر همکاری بر حکمرانی و دیپلماسی جهانی می‌پردازد. این چارچوب مفهومی تئوری‌ها، مفاهیم و فرضیه‌ها را برای ارائه تحلیلی جامع از نقش بازیگران غیردولتی در عرصه بین‌المللی و همکاری آنها با دولت‌های ملی یکپارچه می‌کند. هدف این مطالعه با بررسی انگیزه‌ها، استراتژی‌ها، درگیری‌ها، پاسخ‌ها و تأثیرات، کمک به درک چگونگی تأثیر قدرت نرم بر حکمرانی و دیپلماسی جهانی است.

۱. بررسی ادبیات

«جوزف نای» توضیح جامعی از مفهوم قدرت نرم و اهمیت آن در حوزه روابط بین الملل ارائه می‌دهد. او استدلال می‌کند که توانایی یک ملت برای جذب و متقاعد کردن دیگران از طریق فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های خود برای موفقیت آن در صحنه جهانی بسیار مهم است (Nye, 2004). علاوه بر این، «نای» به نقش دیپلماسی عمومی به عنوان ابزاری برای طرح قدرت نرم می‌پردازد. او بررسی می‌کند که چگونه دولت‌ها و بازیگران غیردولتی می‌توانند به طور مؤثر با مخاطبان بیرونی ارتباط برقرار کنند و درگیر شوند تا ادراکات مثبت را تقویت کنند و تأثیر آنها را افزایش دهند (Nye Jr, 2008).

«درزرنر» به بررسی نقش ایده‌ها، از جمله مفاهیم قدرت نرم، در شکل دادن به دکترین نظامی می‌پردازد. او بررسی می‌کند که چگونه ایده‌ها و هنجارها بر رفتار و تصمیم‌گیری دولت در مسائل امنیت بین‌المللی تأثیر می‌گذارد (Drezner, 2008). علاوه بر این، «فوت» مفهوم موازنه نرم را بررسی می‌کند، که به استراتژی‌های غیرنظامی اشاره دارد که توسط دولت‌ها برای موازنه قدرت بازیگران مسلط استفاده می‌شود. او بر نقش قدرت نرم در شکل دادن به رفتار دولت در دنیای تک قطبی تأکید می‌کند (Foot, 2008a).

«هرد» به بررسی تأثیر سازمان‌های غیردولتی و استفاده آنها از قدرت نرم در سیاست جهانی می‌پردازد. او به این موضوع می‌پردازد که چگونه سازمان‌های غیردولتی روابط خود را با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای پیشبرد برنامه‌های خود هدایت می‌کنند (Hurd, 2020). به همین ترتیب، «گیلبوا» به بررسی مبانی نظری دیپلماسی عمومی و ارتباط آن با قدرت نرم می‌پردازد. او چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی دولت‌ها را در هنگام انجام تلاش‌های دیپلماسی عمومی مؤثر تجزیه و تحلیل می‌کند (Gilboa, 2008).

«نای» بیشتر به بررسی ماهیت در حال تحول قدرت در قرن ۲۱ می‌پردازد، از جمله نقش قدرت نرم در شکل دادن به امور جهانی (Nye Jr, 2011). علاوه بر این، «لامی» تأثیر محصولات فرهنگی هالیوود را بر تجارت بین‌الملل و اشاعه ارزش‌ها تجزیه و تحلیل می‌کند، که نمونه‌ای از تأثیر قدرت نرم بر پویایی اقتصادی است (Lamy, 2007).

¹ Soft balancing

«کک و همکارانش» نقش شبکه‌های حمایت فراملی، نوع خاصی از بازیگران غیردولتی را در شکل‌دهی به سیاست جهانی بررسی کرده‌اند. در تجزیه و تحلیل خود، آنها بررسی می‌کنند که چگونه شبکه‌های حمایت فراملی از حقوق بشر، حفاظت از محیط زیست، و سایر مسائل دفاع می‌کنند و چگونه بر هنجارها و سیاست‌های بین‌المللی تأثیر می‌گذارند (Keck & Sikkink, 1998a).

«کراسنر» بررسی می‌کند که چگونه بازیگران غیردولتی مفاهیم سستی حاکمیت دولت را به چالش می‌کشند. استدلال او حول این ایده است که اگرچه دولت‌ها مدعی حاکمیت مطلق هستند، اما اغلب با بازیگران غیردولتی همکاری و تعامل می‌کنند و از این طریق «نفاق سازمان یافته»^۲ حاکمیت را در امور جهانی آشکار می‌کنند (Krasner, 2013).

«ریس» به نقش‌های حاکمیتی بازیگران غیردولتی مانند سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی در پرداختن به مسائل جهانی می‌پردازد. تحلیل او بر سهم این بازیگران در حل مشکلات و تأمین کالاهای عمومی^۳ در غیاب یک دولت واحد جهانی متمرکز است (Risse, 2011).

«کیوهین و نای» در مورد ماهیت تغییر قدرت و نقش مهم بازیگران غیردولتی، به ویژه شرکت‌های چندملیتی و سازمان‌های غیردولتی، در عصر اطلاعات جهانی بحث می‌کنند (Keohane & Nye, 2001). «رونیت» با رجوع به صنعت الماس به عنوان مطالعه موردی، نقش بازیگران غیردولتی را در ایجاد استانداردها و مقررات جهانی در صنایع بررسی می‌کند (Ronit, 2007).

«پیانتا» با بررسی رابطه پیچیده بین شرکت‌های چندملیتی و جامعه مدنی جهانی، به بررسی نحوه تعامل بازیگران غیردولتی با شرکت‌ها در حمایت از عوامل اجتماعی و محیطی می‌پردازد (Pianta et al., 2012).

«خاگرام و همکارانش» ظهور و تأثیر جنبش‌ها و شبکه‌های اجتماعی فراملی را در بازطراحی سیاست جهانی بررسی می‌کنند (Khagram et al., 2002). «ریسه» درباره ظهور جامعه مدنی فراملی و نقش آن در تأثیرگذاری بر مسائل جهانی، حکمرانی و تصمیم‌گیری بحث می‌کند (Risse, 2007).

این مطالعات درک اهمیت فزاینده بازیگران غیردولتی در شکل‌دهی به پویایی جهانی را نشان

¹ Transnational advocacy networks

² Organized hypocrisy

³ Public goods

⁴ transnational civil society

می‌دهد. بازیگران غیردولتی، از جمله سازمان‌های غیردولتی، شبکه‌های حمایت فراملی، شرکت‌های چندملیتی، و جنبش‌های اجتماعی فراملی، به بازیگران محوری در روابط بین‌الملل تبدیل شده‌اند که به پیچیدگی و پویایی چشم‌انداز جهانی کمک می‌کنند.

یکی از پیامد قدرت نرم و بازیگران غیردولتی، همکاری از طریق ابتکارات قدرت نرم است. قدرت نرم، طبق نظر «نای»، به دولت‌های ملی و بازیگران غیردولتی اجازه می‌دهد تا فرصت‌های همکاری را با توسل به ارزش‌ها و منافع مشترک افزایش دهند. بازیگران غیردولتی، مانند سازمان‌های غیردولتی و نهادهای فرهنگی، می‌توانند از ابزارهای قدرت نرم مانند برنامه‌های تبادل فرهنگی و تعاملات مردمی برای ارتقای تفاهم و همکاری بین کشورها استفاده کنند (Nye, 2004).

پیامد دوم همکاری بشردوستانه است. بازیگران غیردولتی، از جمله سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های بشردوستانه، اغلب در ارائه کمک و حمایت در طول بحران‌ها مشارکت می‌کنند. همکاری با دولت‌های ملی می‌تواند اثربخشی عملیات امدادی را بهبود بخشد و منجر به پاسخ‌های مؤثرتر به بلاهای طبیعی یا اضطراری بشردوستانه شود (Keck & Sikkink, 1998a, 1998b).

نزاع به عنوان جنگ نیابتی، سومین پیامد می‌باشد. بازیگران غیردولتی، زمانی که به عنوان عامل نیابتی توسط دولت‌های ملی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، می‌توانند درگیری‌ها را تشدید کنند. این گروه‌ها ممکن است به طور پنهانی توسط دولت‌ها برای پیشبرد منافع خود در مناقشات منطقه‌ای مسلح و حمایت شوند که منجر به افزایش بی‌ثباتی و تشدید درگیری‌های می‌گردد (Foot, 2008a).

پیامد بعدی چالش‌های امنیتی و تروریسم است. برخی از بازیگران غیردولتی، به ویژه سازمان‌های تروریستی، می‌توانند چالش‌های امنیتی برای دولت‌های ملی ایجاد کنند. تاکتیک‌های نامتقارن آنها می‌تواند مناطق را بی‌ثبات کند و واکنش‌هایی را برانگیزد که ممکن است تنش‌ها را تشدید کند یا منجر به درگیری شود (Krasner, 2013).

رقابت برای نفوذ پیامد بعدی است. بازیگران غیردولتی با قدرت نرم قابل توجه، مانند رسانه‌های با نفوذ یا شرکت‌های چندملیتی، می‌توانند برای شکل‌دهی به روایت‌ها و برنامه‌های جهانی با دولت‌های ملی رقابت کنند. این رقابت ممکن است منجر به تضاد منافع و ارزش‌ها شود، زیرا بازیگران دولتی و غیردولتی برای تسلط رقابت می‌کنند (Gilboa, 2008).

¹ Proxy Warfare

آخرین مورد درگیری بر سر حقوق بشر و حاکمیت است. دولت‌های ملی ممکن است با بازیگران غیردولتی، به‌ویژه سازمان‌های غیردولتی، بر سر مسائل مربوط به حقوق بشر، حاکمیت و امنیت ملی درگیر شوند. حمایت از حقوق بشر توسط سازمان‌های غیردولتی می‌تواند رویه‌های خاص دولت را به چالش بکشد و منجر به درگیری بر سر سیاست‌ها یا مسائل قانونی شود (Hurd, 2011).

با بررسی ادبیات، دیدگاه‌های مختلف در مورد قدرت نرم و اهمیت آن در حوزه روابط بین‌الملل ارائه گردید. با این حال، شکاف‌های موجود نیز شناسایی گردید. اولین مورد مربوط است به مکانیسم‌های خاص که از طریق آن قدرت نرم بر تصمیم‌گیری و نتایج در امور جهانی تأثیر می‌گذارد. از اینرو، تحقیقات بیشتر برای بررسی ماهیت عملیاتی و افزایش اثربخشی قدرت نرم ضروری است.

مکانیسم‌های اعمال قدرت، نحوه پاسخگویی دولت‌ها به نفوذ و اقدامات بازیگران غیردولتی، میزان اثربخشی ابتکارات بازیگران غیردولتی و پتانسیل آنها برای همکاری با دولت‌های ملی و سازمان‌های بین‌المللی، اثر بازیگران غیردولتی بر ساختارها و فرآیندهای حکمرانی جهانی، از مواردی هستند که نیاز به مطالعه و بررسی بیشتر دارند.

۲. روش و داده‌ها

این پژوهش از رویکرد تحقیق کیفی برای بررسی و تحلیل سؤالات تحقیق بیان شده در مقدمه استفاده می‌کند. روش کیفی امکان درک عمیق پیچیدگی‌ها و تفاوت‌های ظریف در پدیده مورد بررسی را فراهم می‌کند.

در جمع‌آوری داده‌ها، به بررسی گسترده‌ای از ادبیات تحقیق مرتبط، مقالات، و منابع رسانه‌ای پرداخته خواهد شد. این امر درک جامعی از موضوع ارائه می‌دهد و امکان شناسایی مضامین، نظریه‌ها و مفاهیم کلیدی را فراهم می‌کند. ما همچنین مطالعات موردی محدودی را برای به دست آوردن درک عمیق‌تر از سؤالات تحقیق انجام خواهیم داد. داده‌ها را از طریق ترکیبی از تجزیه و تحلیل اسناد و مشاهده رویدادهای مرتبط جمع‌آوری خواهد شد.

تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، با استفاده از تحلیل موضوعی انجام خواهد شد. این شامل شناسایی الگوها، مضامین و مفاهیم تکرارشونده در داده‌ها است. سپس یافته‌ها در رابطه با سؤالات تحقیق سازماندهی و تفسیر می‌شوند.

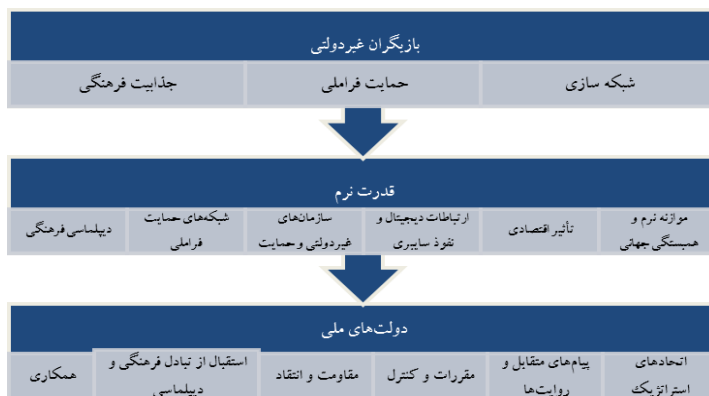
اذعان به محدودیت های این مطالعه حائز اهمیت می باشد. ماهیت کیفی پژوهش ممکن است تعمیم پذیری یافته ها را محدود کند. انتخاب مطالعات موردی ممکن است در معرض سوگیری باشد و ممکن است به طور کامل طیف بازیگران غیردولتی و دولت های ملی درگیر در پویایی قدرت نرم را نشان ندهد. علاوه بر این، مطالعه ممکن است با چالش های ذاتی در دسترسی به اطلاعات حساس و کسب همکاری از ذینفعان خاص مواجه شود.

یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها به صورت توصیفی و تحلیلی با استفاده از نقل قول ها، مثال ها و مطالعات موردی مرتبط برای پشتیبانی از تفاسیر ارائه خواهد شد. تکنیک های تجسم داده ها مانند نمودارها نیز ممکن است برای ارائه یافته ها به شیوه ای واضح و مختصر استفاده شود.

۳. نتایج

۴.۵. نحوه اعمال قدرت نرم و نفوذ بازیگران غیردولتی در عرصه بین المللی

یافته های مربوط به نحوه اعمال قدرت نرم بازیگران غیردولتی و نفوذ در عرصه بین المللی، راه های متنوع و مهمی را که این نهادها از طریق آن ها به سیاست جهانی شکل می دهند، آشکار می کند. بازیگران غیردولتی از طریق جذابیت فرهنگی، حمایت و شبکه سازی توانسته اند از قدرت نرم استفاده کرده و بر روابط بین الملل تأثیر بگذارند. در اینجا یافته های کلیدی آمده است:



رسم توضیحی ۱ عناصر قدرت نرم بازیگران غیردولتی، ابزارهای اعمال آن، و واکنش دولت های ملی

¹ Cultural appeal

² Advocacy

³ Networking

(مولفین ۱۴۰۲)

دیپلماسی فرهنگی: بازیگران غیردولتی، به ویژه نهادهای فرهنگی تأثیرگذار، رسانه‌ها و صنایع سرگرمی از جذابیت فرهنگی برای تأثیرگذاری بر برداشت‌ها و روایت‌های بین‌المللی استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، فیلم‌های هالیوود دارای گستره جهانی هستند و به انتشار ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی آمریکایی کمک می‌کنند (Lamy, 2007).

شبکه‌های حمایت فراملی و نشر هنجارها: بازیگران غیردولتی شبکه‌های حمایت فراملی را برای ترویج هنجارها و ارزش‌ها در سطح جهانی تشکیل می‌دهند. شبکه‌های حمایت فراملی‌ها از موضوعاتی مانند حقوق بشر، حفاظت از محیط زیست، و استانداردهای کار تأثیرگذار بر رفتار دولت و هنجارهای بین‌المللی، حمایت می‌کنند (Keck & Sikkink, 2014; Keck & Sikkink, 1998a).

تأثیر اقتصادی: شرکت‌های چند ملیتی دارای قدرت اقتصادی قابل توجهی هستند که بر تجارت جهانی، سرمایه‌گذاری و زنجیره تامین تأثیر می‌گذارد. آنها از طریق ابتکارات مسئولیت اجتماعی شرکتی و فعالیت‌های اقتصادی، ادراکات را شکل می‌دهند و بر تصمیم‌گیری در تجارت بین‌المللی تأثیر می‌گذارند (Franzini & Pianta, 2011; Pianta et al., 2012).

ارتباطات دیجیتال و نفوذ سایبری: بازیگران غیردولتی، مانند گروه‌های هکریست و شبکه‌های مجرم سایبری، از کانال‌های ارتباطی دیجیتال برای درگیر شدن در حملات سایبری، کمپین‌های اطلاعات نادرست و عملیات نفوذ، سوء استفاده می‌کنند. این اقدامات می‌تواند تنش‌ها را تشدید کند و افکار عمومی را در حوزه سایبری شکل دهد (Florini & Simmons, 2000; Risse, 2007).

سازمان‌های غیردولتی و حمایت: سازمان‌های غیردولتی از طریق تلاش‌های حمایتی در مورد حقوق بشر، مسائل زیست‌محیطی و بحران‌های بشردوستانه از قدرت نرم خود استفاده می‌کنند. آنها حمایت عمومی را بسیج می‌کنند، بر بحث‌های سیاستی تأثیر می‌گذارند و دولت‌ها را برای اقدام تحت فشار قرار می‌دهند (Ronit, 2007).

موازنه نرم و همبستگی جهانی: بازیگران غیردولتی درگیر توازن نرم هستند و با کشورهای همفکر یا دیگر بازیگران غیردولتی برای مقابله با قدرت‌های مسلط‌تر، همسو می‌شوند. این

¹ Norm Diffusion

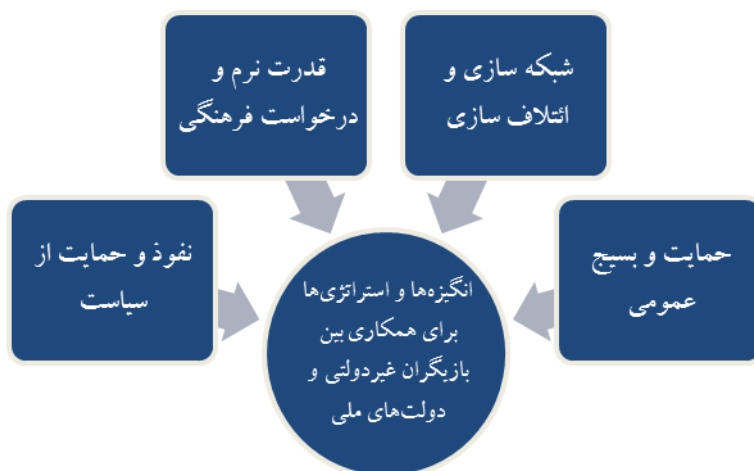
همبستگی می‌تواند بر رفتار بین‌المللی تأثیر بگذارد و پویایی قدرت را تغییر دهد (Foot, 2008a, 2008b).

این یافته‌ها روش‌های متنوع اعمال قدرت نرم و نفوذ را که بازیگران غیردولتی در عرصه بین‌المللی به کار می‌برند، نشان می‌دهد. بازیگران غیردولتی با به کارگیری جذابیت فرهنگی، تشکیل شبکه‌های حمایتی و استفاده از ارتباطات دیجیتال، در شکل‌دهی سیاست جهانی، و به چالش کشیدن پویایی‌های سنتی دولت‌محور، نقش اساسی دارند. این یافته‌ها بر اهمیت درک نقش بازیگران غیردولتی در روابط بین‌الملل معاصر و پیچیدگی‌هایی که آنها در چشم‌انداز جهانی معرفی می‌کنند، تأکید می‌کند.

۴.۲. انگیزه‌ها و استراتژی‌های مورد استفاده بازیگران غیردولتی برای همکاری با دولت-

ملت‌ها

انگیزه‌ها و استراتژی‌هایی که بازیگران غیردولتی برای همکاری با دولت‌های ملی به کار می‌گیرند، بسته به اهداف، منابع و علایق آنها متفاوت است. در اینجا برخی از انگیزه‌ها و استراتژی‌های رایج شناسایی شده در ادبیات وجود دارد:



رسم توضیحی ۱ انگیزه‌های همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی

(مؤلفین: ۱۴۰۲)

اهداف و منافع مشترک: بازیگران غیردولتی اغلب زمانی با دولت‌های ملی همکاری می‌کنند که اهداف آنها با اهداف دولت همسو باشد. این همسویی اهداف، مبنایی برای همکاری ایجاد می‌کند و می‌تواند در مشارکت‌ها برای رسیدگی به مسائلی مانند بحران‌های بشردوستانه، حفاظت از محیط

زیست و سلامت عمومی دیده شود (Khagram et al., 2002).

تخصص و منابع: بازیگران غیردولتی تخصص، منابع و ظرفیت های تخصصی را به ارمغان می آورند که می تواند تکمیل کننده قابلیت های دولت های ملی باشد. به عنوان مثال، سازمان های غیردولتی اغلب دانش و تجربه گسترده ای در ارائه کمک های بشردوستانه دارند، که آنها را به شرکای ارزشمندی در هنگام واکنش به بلایا تبدیل می کند (Keck & Sikkink, 2014; Keck & Sikkink, 1998b).

نفوذ و حمایت از سیاست: بازیگران غیردولتی برای تأثیرگذاری بر سیاست ها و تصمیم گیری های دولتی در تلاش های حمایتی و لابی گری شرکت می کنند. آنها ممکن است ائتلاف ها یا شبکه هایی را تشکیل دهند تا صدای خود را تقویت کنند و دولت ها را تحت فشار قرار دهند تا در مورد موضوعات خاصی مانند حقوق بشر یا تغییرات آب و هوایی اقدام کنند (Ronit, 2007).

قدرت نرم و درخواست فرهنگی: نهادهایی مانند مؤسسات فرهنگی و رسانه های تأثیرگذار می توانند از قدرت نرم و جذابیت فرهنگی خود برای جلب حمایت و همکاری دولتی استفاده کنند. برنامه های تبادل فرهنگی و دیپلماسی رسانه ای نمونه هایی از این هستند که چگونه بازیگران غیردولتی پل هایی ایجاد می کنند و ادراکات مثبتی را ایجاد می کنند که منجر به همکاری با دولت ها می شود (Nye Jr, 2008; Nye, 2004).

شبکه سازی و ائتلاف سازی: بازیگران غیردولتی اغلب با سایر نهادهای غیردولتی و بازیگران دولتی برای پیشبرد برنامه های خود ائتلاف می کنند. به عنوان مثال، شبکه های حمایت فراملی، همکاری بین سازمان های غیردولتی، دانشگاهیان و سازمان های بین المللی را برای فشار برای تغییر سیاست، تسهیل می کنند (Keck & Sikkink, 2014; Keck & Sikkink, 1998a).

حمایت و بسیج عمومی: بازیگران غیردولتی ممکن است برای تأثیرگذاری بر تصمیمات دولتی به حمایت و بسیج عمومی تکیه کنند. با جلب حمایت عمومی گسترده، آنها می توانند دولت ها را برای انجام اقدامات یا حمایت از سیاست های خاص تحت فشار قرار دهند (Hurd, 2010, 2011).

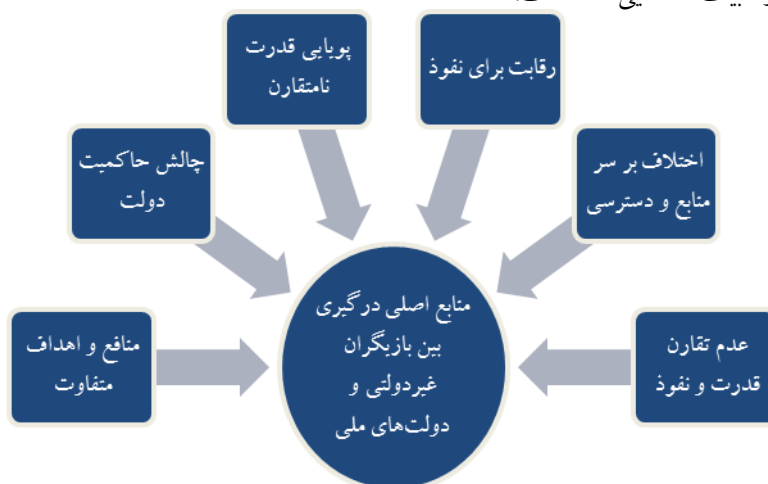
این انگیزه ها استراتژی ها و استراتژی ها نشان می دهد که چگونه بازیگران غیردولتی به طور موثر با دولت های ملی برای دستیابی به اهداف خود همکاری می کنند. بازیگران غیردولتی چه از طریق

¹ Public Support and Mobilization

علايق مشترك، تخصص، حمايت، جذابيت فرهنگي يا شبكه‌سازي، نقشي اساسي در شكل‌دهي روابط بين‌المللي و رسيدگي به چالش‌هاي جهاني ايفا مي‌کنند.

۴.۳. منابع اصلي درگيري بين بازيگران غيردولتي و دولت-ملت‌ها

تعاملات بين بازيگران غيردولتي و دولت‌هاي ملي مي‌تواند منجر به درگيري‌هايي به دليل منافع متفاوت، جنگ قدرت و چالش‌هايي براي اقتدار دولتي شود. چندين منبع اصلي تعارض بين اين نهادها در ادبيات شناسايي شده است.



رسم توضيحي ۲ منابع اصلي مناقشه بين بازيگران غيردولتي و دولت‌هاي ملي

(مولفين ۱۴۰۲)

منافع و اهداف متفاوت: وقتي بازيگران غيردولتي اهدافي را دنبال مي‌کنند که با منافع دولت‌هاي ملي همخواني ندارد، تضادها ممکن است رخ دهد. بازيگران غيردولتي اغلب از دلایل خاصی مانند حقوق بشر يا حفاظت از محيط زيست دفاع مي‌کنند که ممکن است با اولويت‌هاي برخي از دولت‌ها در تضاد باشد (Khagram et al., 2002).

چالش حاکميت دولت: فعاليت‌ها و نفوذ بازيگران غيردولتي گاهي اوقات مي‌تواند اقتدار و حاکميت سستي دولت‌هاي ملي را به چالش بکشد. به عنوان مثال، سازمان‌هاي حقوق بشر ممکن است اقدامات دولت را مورد انتقاد قرار دهند که منجر به درگيري بر سر مسائل مربوط به حاکميت و

سیاست های داخلی شود (Krasner, 2013).

پویایی قدرت نامتقارن^۱ برخی از بازیگران غیردولتی، مانند سازمان های تروریستی یا شبکه های جنایتکار، ممکن است تاکتیک های نامتقارن را به کار گیرند که چالش های امنیتی را برای دولت های ملی ایجاد می کند. این بازیگران از آسیب پذیری ها سوء استفاده می کنند و در فعالیت هایی شرکت می کنند که امنیت دولت را تهدید می کند و منجر به درگیری و تنش می شود (Foot, 2008a).

رقابت برای نفوذ: بازیگران غیردولتی با قدرت نرم قابل توجه، مانند رسانه های با نفوذ یا شرکت های چندملیتی، ممکن است برای شکل دادن به روایت ها و برنامه های جهانی با دولت های ملی رقابت کنند. این رقابت می تواند منجر به تضاد منافع و ارزش ها شود (Gilboa, 2008).

اختلاف بر سر منابع و دسترسی: ممکن است درگیری بین بازیگران غیردولتی و دولت های ملی بر سر دسترسی به منابع یا کنترل قلمروهای خاص رخ دهد. به عنوان مثال، فعالیت های شرکت های چندملیتی در مناطق غنی از منابع می تواند منجر به اختلاف بر سر مالکیت و منافع شود (Ronit, 2007).

عدم تقارن قدرت و نفوذ: بازیگران غیردولتی با منابع یا حمایت قابل توجه ممکن است نفوذ و قدرت دولت های ملی ضعیف تر را به چالش بکشند. این عدم تقارن قدرت می تواند منجر به تنش ها و درگیری ها گردد، زیرا دولت ها ممکن است تحت تأثیر نفوذ و اقدامات بازیگران غیردولتی احساس خطر کنند (Nye Jr, 2011; Nye, 2004).

این مولفه های مناقشه، پیچیدگی های موجود در تعاملات بین بازیگران غیردولتی و دولت های ملی را نشان می دهد. منافع متفاوت، نگرانی های حاکمیتی، پویایی قدرت و رقابت برای نفوذ می تواند منجر به تنش شود و نیاز به مدیریت دقیق و دیپلماسی در روابط بین الملل را برجسته می کند.

۴.۴. واکنش دولت های ملی به ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی

واکنش دولت های ملی به ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی بسته به زمینه خاص، ماهیت ابتکارات و همسویی منافع متفاوت است. برخی از دولت های ملی ممکن است پذیرا باشند و با بازیگران غیردولتی همکاری کنند، در حالی که برخی دیگر ممکن است این ابتکارات را چالشی برای اقتدار خود بدانند و با مقاومت پاسخ دهند. در اینجا تحلیلی از واکنش دولت های ملی به ابتکارات

¹ Asymmetric Power Dynamics

² Power Asymmetry and Influence

قدرت نرم بازیگران غیردولتی ارائه شده است (در این خصوص در رسم توضیحی ۱ تصویر سازی شده است):

همکاری: در مواردی که ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی با منافع و اولویت‌های ملی همسو باشد، دولت‌های ملی ممکن است همکاری را انتخاب کنند. این همکاری را می‌توان در مشارکت با سازمان‌های غیردولتی در موضوعاتی مانند کمک‌های بشردوستانه یا حفاظت از محیط زیست مشاهده کرد (Khagram et al., 2002).

استقبال از تبادل فرهنگی و دیپلماسی: دولت‌های ملی ممکن است به ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی که مبادلات فرهنگی، برنامه‌های آموزشی و تعاملات مردمی را ترویج می‌کنند، پاسخ مثبت دهند. این ابتکارات می‌تواند تفاهم و همکاری را تقویت کند و منجر به بهبود روابط دیپلماتیک شود (Nye, 2004).

مقاومت و انتقاد: برخی از دولت‌های ملی ممکن است ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی را تهدیدی برای حاکمیت یا منافع ملی خود بدانند. آنها ممکن است با مقاومت و انتقاد پاسخ دهند، به ویژه اگر این ابتکارات سیاست‌ها یا اقدامات آنها را در مورد موضوعاتی مانند حقوق بشر یا حکومت به چالش بکشد (Krasner, 2013).

مقررات و کنترل: در شرایطی که ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی تأثیر قابل توجهی دارد، دولت‌های ملی ممکن است با وضع مقررات یا کنترل فعالیت‌ها، پاسخ دهند. این پاسخ را می‌توان در اقداماتی برای نظارت و محدود کردن فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی یا سازمان‌های غیردولتی مشاهده کرد (Ronit, 2007).

پیام‌های متقابل و روایت‌ها: در مواردی که بازیگران غیردولتی از قدرت نرم برای شکل دادن به روایت‌هایی استفاده می‌کنند که دستورکار دولت را به چالش می‌کشد، دولت‌های ملی ممکن است با تلاش‌های ضدپیام برای محافظت از منافع و شهرت خود در عرصه بین‌المللی پاسخ دهند (Gilboa, 2008).

اتحادهای استراتژیک: در مواردی خاص، دولت‌های ملی ممکن است به لحاظ استراتژیک با بازیگران غیردولتی که ابتکارات قدرت نرم آنها با اهداف سیاست خارجی آنها همخوانی دارد، متحد

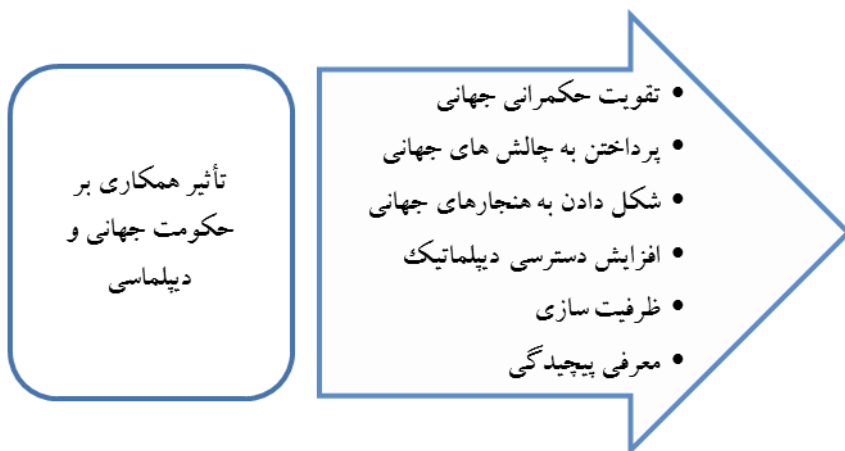
¹ Counter-Messaging and Narratives

شوند. این اتحادها می‌توانند نفوذ و گستردگی یک دولت را به ویژه در حمایت بین‌المللی یا ترویج هنجارها تقویت کنند (Keck & Sikkink, 2014).

این تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که واکنش دولت‌های ملی به ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی متنوع و مشروط به عوامل مختلفی است. در حالی که برخی از کشورها ممکن است از همکاری و دیپلماسی استقبال کنند، برخی دیگر ممکن است این ابتکارات را به عنوان چالش درک کنند و با مقاومت یا مقررات پاسخ دهند. درک این پاسخ‌ها برای درک پویایی در حال تحول روابط بین‌الملل و نقش بازیگران غیردولتی در شکل دادن به سیاست جهانی بسیار مهم است.

۴.۵. تأثیر همکاری بر حکومت جهانی و دیپلماسی

تأثیر همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی بر حکمرانی و دیپلماسی جهانی می‌تواند مهم و چندوجهی باشد. چنین همکاری‌هایی می‌تواند اثربخشی مکانیسم‌های حکمرانی را افزایش دهد، به مقابله با چالش‌های جهانی کمک کند، اما همچنین ممکن است پیچیدگی‌ها و تنش‌هایی را در روابط دیپلماتیک ایجاد کند.



رسم توضیحی ۳ تأثیر همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی بر حکومت جهانی

(مولفین ۱۴۰۲)

تقویت حکمرانی جهانی: همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی می‌تواند با گرد هم آوردن دیدگاه‌ها، تخصص و منابع مختلف، حکمرانی جهانی را تقویت کند. این امر می‌تواند منجر به

فرآیندهای سیاست‌گذاری جامع‌تر و فراگیرتر شود، زیرا بازیگران غیردولتی اغلب منافع ذینفعان مختلف را نمایندگی می‌کنند (Risse, 2007).

پرداختن به چالش‌های جهانی: تلاش‌های مشترک بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی می‌تواند اقدام جمعی را تقویت کند و به چالش‌های جهانی فوری رسیدگی کند. برای مثال، مشارکت بین دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی در پاسخ به بحران‌های بشردوستانه و ارتقای توسعه پایدار مؤثر بوده است (Khagram et al., 2002).

شکل دادن به هنجارهای جهانی: همکاری با بازیگران غیردولتی می‌تواند بر ایجاد و انتشار هنجارهای جهانی تأثیر بگذارد. سازمان‌های غیردولتی و شبکه‌های فراملی نقش مهمی در حمایت از حقوق بشر، استانداردهای زیست‌محیطی و سایر هنجارهایی دارند که بر حاکمیت جهانی تأثیر می‌گذارند (Keck & Sikkink, 1998a).

افزایش دسترسی دیپلماتیک: با همکاری با بازیگران غیردولتی، دولت‌های ملی می‌توانند دامنه و نفوذ دیپلماتیک خود را گسترش دهند. مشارکت با سازمان‌های غیردولتی با نفوذ یا شرکت‌های جهانی می‌تواند به دولت‌ها کمک کند تا پیام‌ها و اهداف خود را در مجامع بین‌المللی تقویت کنند (Gilboa, 2008).

ظرفیت‌سازی: تلاش‌های مشترک می‌تواند ظرفیت بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی را برای رسیدگی به مسائل پیچیده جهانی افزایش دهد. به عنوان مثال، مشارکت بین سازمان‌های بشردوستانه و دولت‌ها می‌تواند عملیات امداد و واکنش به بلایا را بهبود بخشد (Ronit, 2007).
معرفی پیچیدگی: در حالی که همکاری می‌تواند سودمند باشد، می‌تواند پیچیدگی‌هایی را در حکمرانی و دیپلماسی جهانی نیز ایجاد کند. اولویت‌ها، پویایی‌های قدرت و علایق متفاوت در میان بازیگران مختلف می‌تواند منجر به چالش‌هایی در تصمیم‌گیری و هماهنگی شود (Foot, 2008a).

۴.۶. مطالعه موردی

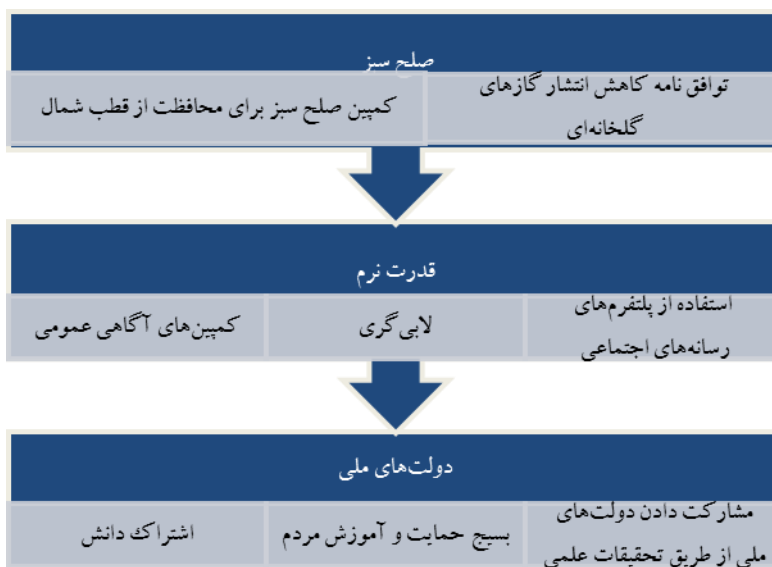
۴.۶.۱. قدرت نرم و بازیگران غیردولتی در همکاری‌های جهانی زیست‌محیطی

یکی از نمونه‌های بارز استفاده از قدرت نرم توسط بازیگران غیردولتی، کمپین صلح سبز برای محافظت از قطب شمال آدر برابر حفاری نفت است. صلح سبز، یک نهاد بین‌المللی زیست‌محیطی

¹ Capacity Building

² The Greenpeace's campaign to protect the Arctic from oil drilling

است که برای حفظ اکوسیستم قطب شمال، از فشار بر دولت‌ها برای محدود کردن اکتشاف نفت حمایت می‌کند. صلح سبز در مبارزه خود با صنعت نفت از تکنیک‌های قدرت نرم مانند کمپین‌های آگاهی عمومی، لابی‌گری و استفاده از پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی برای بسیج حمایت و آموزش مردم استفاده کرده است (Huebert, 2014; Speca, 2012).



رسم توضیحی ۴ منابع قدرت نرم صلح سبز، ابزارهای اعمال آن و شیوه عملیاتی همکاری دولت‌ها (مولفین ۱۴۰۲)

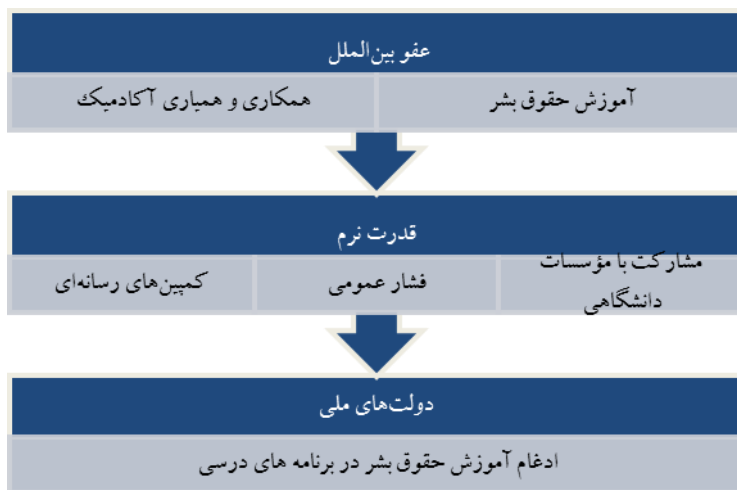
تلاش‌های صلح سبز، تأثیر قابل توجهی بر دولت‌های ملی برای همکاری در حفاظت از قطب شمال داشته است. به عنوان مثال، مبارزات انتخاباتی و فشار آنها بر دولت‌ها منجر به امضای توافق نامه پاریس در سال ۲۰۱۵ شد که اهداف جهانی را برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تعیین می‌کند. علاوه بر این، صلح سبز با موفقیت، چندین کشور از جمله نروژ و آلمان را متقاعد کرده است که پروژه‌های حفاری نفت قطب شمال را از طریق ترکیبی از حمایت عمومی، دادخواهی استراتژیک و اقدام مستقیم مسالمت آمیز، متوقف کنند (Nedziwe & Tella, 2023).

بازیگران غیردولتی مانند صلح سبز با مشارکت دادن دولت‌های ملی از طریق تحقیقات علمی و اشتراک دانش، به همکاری علمی دست یافته‌اند. صلح سبز با مؤسسات دانشگاهی برای انجام

¹ Greenpeace

مطالعاتی که اهمیت اکولوژیکی قطب شمال، خطرات زیست محیطی بالقوه مرتبط با حفاری نفت، و امکان سنجی جایگزین‌های توسعه پایدار را برجسته می‌کند، همکاری کرده است. مشارکت دانشگاهی آنها شواهد علمی قابل اعتمادی را در اختیار سیاستگذاران قرار داده است که بر سیاست های ملی تأثیر گذاشته و همکاری بین کشورها را برای حفاظت از اکوسیستم قطب شمال تقویت کرده است (Huebert, 2014; Villo et al., 2020).

۶,۶,۲. قدرت نرم و نقش بازیگران غیردولتی در ترویج آموزش جهانی حقوق بشر
 عفو بین‌الملل نمونه دیگری از بازیگران غیر دولتی است که از قدرت نرم برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند. آنها از طریق کمپین‌های جهانی، خودآگاهی را در مورد نقض حقوق بشر افزایش داده‌اند و افراد را در مورد حقوق و مسئولیت‌های خود آموزش داده‌اند. عفو بین‌الملل از ابزارهای مختلف قدرت نرم، از جمله کمپین‌های رسانه‌ای، فشار عمومی و مشارکت با مؤسسات دانشگاهی برای تأثیرگذاری بر دولت‌ها برای سرمایه‌گذاری در آموزش حقوق بشر استفاده کرده است (Norlander, 2013; Shultz & Pillay, 2018).



رسم توضیحی ۵ منابع قدرت نرم عفو بین‌الملل، ابزارهای اعمال آن و شیوه عملیاتی همکاری دولت‌ها (مؤلفین ۱۴۰۲)

رویکرد قدرت نرم عفو بین‌الملل با موفقیت، دولت‌های ملی را تحت تأثیر قرار داده است تا به

¹ Amnesty International

صورت آکادمیک در آموزش حقوق بشر همکاری کنند. کمپین‌های آنها که نقض حقوق بشر و اهمیت آموزش را برجسته می‌کند، دولت‌ها را بر آن داشته است که حقوق بشر را در سیستم‌های آموزشی خود بگنجانند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۰۸، عفو بین‌الملل کمپین «آموزش حقوق بشر برای همه» را راه‌اندازی کرد که از آموزش همگانی حقوق بشر در مدارس حمایت می‌کرد. چندین دولت ملی، از جمله کانادا و ایرلند، با ادغام آموزش حقوق بشر در برنامه‌های درسی خود پاسخ دادند (Davies, 2014; Norlander, 2013; Shultz & Pillay, 2018).

بازیگران غیردولتی مانند عفو بین‌الملل با مشارکت با مؤسسات دانشگاهی و ارائه منابع و تخصص در زمینه آموزش حقوق بشر، همکاری و همیاری بین دولت‌ها را تقویت کرده‌اند. از طریق این همکاری‌ها، سازمان‌های غیردولتی توسعه برنامه‌های دانشگاهی، مراکز تحقیقاتی، و کارگاه‌های آموزشی را تسهیل کرده‌اند و به اشتراک‌گذاری بهترین شیوه‌ها، و افزایش همکاری بین کشورها را، ترویج می‌کنند. مشارکت آکادمیک که توسط بازیگران غیردولتی تسهیل می‌شود، دولت‌های ملی را تشویق کرده است تا در توسعه برنامه‌های درسی، آموزش معلمان، و تبادل مواد و رویکردهای آموزشی با یکدیگر همکاری کنند (Davies, 2014; Norlander, 2013).

۵. بحث

۵.۱. تفسیر نتایج در چارچوب سوالات و اهداف تحقیق

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بازیگران غیردولتی از طرق مختلف قدرت نرم و نفوذ خود را در عرصه بین‌المللی اعمال می‌کنند. اینها عبارتند از دیپلماسی فرهنگی، شبکه‌های حمایت فراملی، انتشار هنجارها، نفوذ اقتصادی، ارتباطات دیجیتال و نفوذ سایبری، سازمان‌های غیر دولتی و حمایت، تعادل نرم و همبستگی جهانی.

انگیزه‌ها و استراتژی‌هایی که بازیگران غیردولتی برای همکاری با دولت‌ها به کار می‌گیرند، شامل اهداف و منافع مشترک، تخصص و منابع، نفوذ و حمایت از سیاست، قدرت نرم و جذابیت فرهنگی، شبکه‌سازی و ایجاد ائتلاف، و حمایت عمومی و بسیج می‌شود. دولت‌ها به ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی به روش‌های مختلفی از جمله همراهی و همکاری، پذیرش تبادل فرهنگی و دیپلماسی، مقاومت و انتقاد، مقررات و کنترل، پیام‌های متقابل و روایت‌ها و اتحادهای استراتژیک پاسخ می‌دهند.

منابع اصلی تضاد بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی از منافع و اهداف متفاوت، چالش‌های حاکمیت دولت، پویایی قدرت نامتقارن، رقابت برای نفوذ، اختلاف بر سر منابع و

دسترسی، عدم تقارن قدرت و نفوذ ناشی می شود.

همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی بر حاکمیت جهانی و دیپلماسی تأثیر دارد. این تأثیر شامل تقویت حکمرانی جهانی، پرداختن به مبادلات فرهنگی جهانی، شکل دادن به هنجارهای جهانی، افزایش دسترسی دیپلماتیک، ظرفیت سازی، و معرفی پیچیدگی می گردد.

۵.۲. مقایسه یافته‌ها با ادبیات و نظریه‌های موجود در مورد قدرت نرم و بازیگران غیردولتی

یافته‌های ارائه شده با ادبیات و نظریه‌های موجود در مورد قدرت نرم و بازیگران غیردولتی همسو هستند. محققان مدت‌هاست که درباره تأثیر بازیگران غیردولتی در عرصه بین‌المللی بحث کرده‌اند و راهبردهای مختلفی که این بازیگران برای اعمال قدرت نرم به کار می‌گیرند با راهبردهای مشخص شده در یافته‌ها همسو است.

دیپلماسی فرهنگی و جذابیت، شبکه‌های حمایت فراملی و انتشار هنجار، تأثیر اقتصادی، ارتباطات دیجیتال و نفوذ سایبری، نقش مهم سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری حکمرانی جهانی، همگی با نظریه‌های موجود که بر نقش سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان بازیگران کلیدی غیردولتی در روابط بین‌الملل تأکید می‌کنند، همسو است.

از نظر تضاد بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی، یافته‌ها بازتاب ادبیات موجود در مورد واگرایی منافع و اهداف، و همچنین چالش‌های حاکمیت دولت است. پویایی قدرت و رقابت برای نفوذ نیز از منابع شناخته شده درگیری هستند.

پاسخ دولت‌های ملی به ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی، همانطور که در یافته‌ها مشخص شد، با تئوری‌های موجود همخوانی دارد. همکاری، همراهی و اتحادهای استراتژیک رویکردهای شناخته شده هستند، در حالی که مقاومت، انتقاد، مقررات و کنترل نیز پاسخ‌های تایید شده هستند.

در نهایت، تأثیر همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی بر حکمرانی و دیپلماسی جهانی که در یافته‌ها مشخص شده است، با نظریه‌های موجود همسو می‌شود، و بر پتانسیل تقویت حکمرانی جهانی، پرداختن به چالش‌های جهانی و شکل دادن به هنجارهای جهانی از طریق چنین همکاری‌هایی تأکید می‌کند.

۵.۳. تحلیل پیامدهای نتایج این مطالعه برای روابط بین‌الملل و سیاست جهانی

از آثار نتایج این مطالعه بر رشته روابط بین‌الملل و سیاست جهانی می‌توان به مواردی چون

درک تأثیر بازیگران غیردولتی، شناسایی انگیزه‌ها و استراتژی‌های همکاری بازیگران غیردولتی برای همکاری با دولت‌ها، نقشه راهی برای مدیریت تضادهای بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی، شناسایی نحوه واکنش و مشارکت دولت‌ها، درک تأثیر همکاری بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی بر حکمرانی جهانی و دیپلماسی، ارزیابی مجدد نظریه‌های سستی روابط بین الملل باتریک نقش بازیگران غیردولتی، ارائه مسیرهای جدید برای پژوهش و سیاست‌گذاری، و درنهایت تقویت همکاری جهانی از طریق همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی، اشاره داشت

۵.۴ تاکید بر قدرت نرم و همراهی برای ارتقای همکاری‌های بین‌المللی و مدیریت درگیری‌ها

تاکید بر قدرت نرم و همراهی برای ارتقای همکاری بین‌المللی و مدیریت منازعات در دنیای به هم پیوسته و وابسته امروزی بسیار حائز اهمیت است. پرسش‌ها و اهداف مطرح شده در این پژوهش، راه‌هایی را روشن می‌کند که از طریق آنها قدرت نرم بازیگران غیردولتی و تعاملات با دولت‌های ملی می‌تواند به این اهداف کمک کند:

ترویج همکاری بین‌المللی: ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی می‌تواند گفتگو را تسهیل کند، اختلافات را مرتفع نماید و زمینه مشترکی برای همکاری در مسائل جهانی ایجاد کند. مدیریت تضادها: همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی می‌تواند نقش میانجی داشته باشد و به تنش زدایی و یافتن راه حل‌های قابل قبول دوجانبه کمک کند.

تسهیل دیپلماسی: بازیگران غیردولتی می‌توانند به عنوان واسطه‌های دیپلماتیک عمل کنند و ارتباطات و همکاری بین کشورهای دارای منافع متفاوت را تقویت کنند. تقویت حکمرانی جهانی: بازیگران غیردولتی و دولت‌های ملی با همکاری یکدیگر می‌توانند به مسائلی بپردازند که از مرزهای ملی فراتر می‌روند، مانند تغییرات آب و هوا، بهداشت عمومی و حقوق بشر.

تکمیل رویکردهای دولت-محور: دولت‌ها اغلب بر منابع قدرت سستی، مانند قدرت نظامی و قدرت اقتصادی تمرکز می‌کنند، اما قدرت نرم بازیگران غیردولتی، راه دیگری برای اعمال نفوذ و شکل‌دهی به نتایج بین‌المللی فراهم می‌کند.

توانمندسازی بازیگران غیردولتی: شناخت اهمیت قدرت نرم بازیگران غیردولتی و پتانسیل آنها برای همکاری می‌تواند این بازیگران را توانمند سازد. این امر می‌تواند در امور جهانی به چشم‌انداز بین‌المللی متنوع‌تر و مشارکتی‌تر منجر گردد.

پرداختن به چالش های جهانی: همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت های ملی، امکان
تجمیع منابع، دانش و تلاش ها را برای مقابله با مسائل پیچیده ای فراهم می کند که هیچ بازیگری به
تنهایی نمی تواند آنها را حل کند.

نتیجه گیری

بر اساس یافته های پژوهش، بازیگران غیردولتی از طریق ابزارهای مختلف مانند دیپلماسی
فرهنگی، کمپین های حمایتی و نشر ایده ها، قدرت نرم و نفوذ خود را در عرصه بین المللی اعمال
می کنند. توانایی آنها در جذب و متقاعد کردن دیگران از طریق فرهنگ، ارزش ها و سیاست های خود
نقش مهمی در شکل دادن به روابط بین المللی ایفا می کند.

این تحقیق چندین انگیزه کلیدی را شناسایی می کند که بازیگران غیردولتی را به همکاری با
دولت های ملی سوق می دهد. اینها شامل پیگیری منافع مشترک، رسیدگی به چالش های جهانی،
کسب مشروعیت و دسترسی به منابع است. این مطالعه همچنین راهبردهای به کار گرفته شده توسط
بازیگران غیردولتی، مانند تشکیل ائتلاف، مشارکت در دیپلماسی عمومی، و استفاده از تخصص و
شبکه های آنها را برجسته می کند.

بر اساس یافته های این پژوهش، منابع اصلی تضاد بین بازیگران غیردولتی و دولت های ملی
ناشی از تفاوت در ارزش ها، منافع و اهداف است. ایدئولوژی ها و اولویت های متضاد می تواند تنش
ایجاد کند و مانع همکاری شود و منجر به چالش هایی در پیگیری اهداف مشترک شود.

این مطالعه تاکید می کند که دولت های ملی به ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی به طرق
مختلف پاسخ می دهند. برخی از کشورها ممکن است از همکاری استقبال کنند و ارزش مشارکت
بازیگران غیردولتی را درک کنند، در حالی که برخی دیگر ممکن است این ابتکارات را با شک و
تردید یا حتی مقاومت ببینند و آنها را به عنوان چالش هایی برای اقتدار و حاکمیت دولت تلقی کنند.

همچنین در این پژوهش نشان داده شده است که همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت های
ملی تأثیر قابل توجهی بر حکمرانی و دیپلماسی جهانی دارد. این مطالعه نشان می دهد که چنین
همکاری هایی به رویکردهای فراگیرتر و جامع تر برای رسیدگی به چالش های جهانی کمک می کند.
بازیگران غیردولتی دیدگاه ها و تخصص های متنوعی را به ارمغان می آورند و اثربخشی مکانیسم
های حکمرانی جهانی را افزایش می دهند.

در بحث پیامدهای ناشی از حضور بازیگران غیر دولتی و قدرت نرم و همکاری با دولت های ملی به موارد مهمی اشاره شد. فهم نحوه اعمال قدرت توسط بازیگران غیردولتی و همکاری آنها با دولت ها، می تواند تلاش ها را برای تقویت همکاری های بین المللی نشان دهد. شناخت انگیزه ها و استراتژی های بازیگران غیردولتی، سیاست گذاران را قادر می سازد تا مشارکت های سازنده را در رسیدگی به چالش های مشترک تقویت کنند.

همچنین بیان شد که شناخت مولفه های درگیری بین بازیگران غیردولتی و دولت های ملی می تواند به مدیریت و حل تعارض کمک کند. پرداختن موثر به این تعارضات برای ارتقای همکاری و دستیابی به اهداف جمعی بسیار مهم است. از سویی، شناسایی نحوه واکنش دولت های ملی به ابتکارات قدرت نرم بازیگران غیردولتی، بیش هایی را در مورد استراتژی های دیپلماتیک موثر ارائه می دهد. اعمال نفوذ بازیگران غیردولتی می تواند تلاش های دیپلماتیک را تقویت کند و فرصت هایی برای درک متقابل ایجاد کند.

یافته های پژوهش نشان داد که همکاری بین بازیگران غیردولتی و دولت های ملی به حکمرانی جهانی فراگیرتر کمک می کند، و سیاست گذاران می توانند از تخصص و دیدگاه بازیگران غیردولتی برای رسیدگی به مسائل پیچیده جهانی و بهبود فرآیندهای تصمیم گیری استفاده کنند. یافته های این مطالعه اهمیت تحقیقات بیشتر در مورد نقش بازیگران غیردولتی و قدرت نرم در روابط بین الملل را برجسته می کند. مطالعات آتی می تواند بر اساس این بینش ها برای تعمیق درک ما از پویایی های در حال تغییر در سیاست جهانی استوار شود.

این تحقیق از طریق بررسی همه جانبه قدرت نرم بازیگران غیردولتی و همکاری آنها با دولت های ملی، کمک های قابل توجهی به حوزه روابط بین الملل می کند. در این خصوص می توان به مواردی چون درک تأثیر بازیگران غیردولتی، انگیزه ها و استراتژی های همکاری، بینش دینامیک تعارض، واکنش ها و مشارکت دولت های ملی، تأثیر بر حکمرانی جهانی و دیپلماسی، غنی سازی چارچوب های نظری، پیامدهای سیاست گذاری، و مسیرهای جدید برای تحقیقات آینده، به عنوان موارد مشارکت این پژوهش در رشته روابط بین الملل اشاره نمود

در خصوص محدودیت های پژوهش می توان به محدودیت های ناشی از دامنه و قابلیت تعمیم، محدودیت ناشی از دسترس بودن، محدودیت ناشی از ذهنیت در ارزیابی قدرت نرم، و در نهایت محدودیت ناشی از پیچیدگی درگیری ها اشاره داشت. و در خصوص زمینه های بالقوه برای

تحقیقات آینده می توان به مواردی چون مطالعات تطبیقی، مطالعات موردی کیفی، تحلیل طولی، همکاری چندجانبه، اندازه گیری تأثیر قدرت نرم، نقش بازیگران غیردولتی در حال ظهور، تجزیه و تحلیل افکار عمومی، و تأثیر قدرت نرم بر حل و فصل منازعات اشاره نمود.

منابع

- Davies, T. R. (2014). Educational internationalism, universal human rights, and international organisation: International Relations in the thought and practice of Robert Owen. *Review of International Studies*, 40(4), 729-751 .
- Drezner, D. W. (2008). *All politics is global: Explaining international regulatory regimes*. Princeton University Press .
- Florini, A. M., & Simmons, P. J. (2000). What the world needs now? The third force: The rise of transnational civil society, 1-15 .
- Foot, R. (2008a). Exceptionalism Again: The bush administration, the “global war on terror” and human rights. *Law and History Review*, 26(3), 707-725 .
- Foot, R. (2008b). *Framing security agendas: US counterterrorist policies and Southeast Asian responses (Vol. 49)*. Institute of Southeast Asian Studies .
- Franzini, M., & Pianta, M. (2011). *Explaining inequality in today? s capitalism* .
- Huebert ,R. N. (2014). *Canada, the Arctic Council, Greenpeace, and Arctic Oil Drilling: Complicating an Already Complicated Picture*. Canadian Defence & Foreign Affairs Institute .
- Hurd, I. (2010). *How Not to Argue Against the Crime of Aggression: A Response to Michael Glennon*. Available at SSRN 1601357 .
- Hurd, I. (2011). *Theorizing International Organizations. Choices and Methods in the Study of International Organizations*. *Journal of International Organizations Studies*, 2(2), 7-22 .
- Hurd, I. (2020). *International organizations: politics, law, practice*. Cambridge University Press .
- Keck, M., & Sikkink, K. (2014). *Transnational advocacy networks in international politics (1998)*. *The Globalization and Development Reader: Perspectives on Development and Global Change*, 476-485 .
- Keck, M. E., & Sikkink, K. (1998a). *Activists beyond borders: Advocacy networks in international politics*. Cornell University Press .

- Keck, M. E., & Sikkink, K. (1998b). Transnational advocacy networks in the movement society. *The social movement society: Contentious politics for a new century*, 221, 217-237 .
- Keohane, R. O., & Nye, J. S. (2001). *Power and Interdependence*. Longman. <https://books.google.com/books?id=VG8kAQAIAAJ>
- Khagram, S., Riker, J. V., & Sikkink, K. (2002). *Restructuring world politics: transnational social movements, networks, and norms*. U of Minnesota Press .
- Krasner, S. D. (2013). Recognition: organized hypocrisy once again. *International Theory*, 5(1), 170-176 .
- Lamy, S. L. (2007). Challenging hegemonic paradigms and practices: Critical thinking and active learning strategies for international relations. *PS: Political Science & Politics*, 40(1), 112-116 .
- Nedziwe, C. L., & Tella, O. (2023). Non-state Actors as Transnational Agents. In *Transnational Activities of Women-Focused Civil Society Actors in Southern Africa* (pp. 49-69). Springer Nature Switzerland. https://doi.org/10.1007/978-3-031-29537-9_3
- Norlander, R. J. (2013). The contributions of digital communications technology to human rights education: A case study of Amnesty International Saybrook University
- Nye Jr, J. S. (2008). Public diplomacy and soft power. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 616(1), 94-109 .
- Nye Jr, J. S. (2011). The future of power. *PublicAffairs* .
- Nye, J. S. (2004) Soft power: The means to success in world politics. *Public affairs* .
- Pianta, M., Ellersiek, A., & Utting, P. (2012). 13 How Can Activism Make Change Happen? *Global justice activism and policy reform in Europe: Understanding when change happens*, 29 .
- Risse, T. (2007). Transnational Actors and World Politics. In W. C. Zimmerli, M. Holzinger, & K. Richter (Eds.), *Corporate Ethics and Corporate Governance* (pp. 251-286). Springer Berlin Heidelberg. https://doi.org/10.1007/978-3-540-70818-6_19
- Risse ,T. (2011). *Governance Without a State?: Policies and Politics in Areas of Limited Statehood*. Columbia University Press. <https://books.google.com/books?id=cds7AAAAQBAJ>
- Ronit, K. (2007). *Global public policy. Business and the countervailing powers of civil society*. Abingdon, UK: Routledge .

Shultz, L., & Pillay, T. (2018). Global citizenship, common wealth, and uncommon citizenships: An introduction. In *Global citizenship, common wealth and uncommon citizenships* (pp. 1-7). Brill .

Specia, A. (2012). Arctic Savior Complex. *Northern Public Affairs*, 7 .

Villo, S., Halme, M., & Ritvala, T. (2020). Theorizing MNE-NGO conflicts in state-capitalist contexts: Insights from the Greenpeace, Gazprom and the Russian state dispute in the Arctic. *Journal of World Business*, 55(3), 101068.